اعوذ بالله من الشيطن الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

به خدا شرک نورزید

۱)خداناباوری

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَتُ مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۶۷﴾

و خدا را آنچنان كه بايد به بزرگى نشناخته اند و حال آنكه روز قيامت زمين يكسره در قبضه [قدرت] اوست و آسمانها در پيچيده به دست اوست. او منزه است و برتر است از آنچه [با وى] شريك مى گردانند (۶۷)

عامه مردم به وجود خدا اعتقاد دارند اما بیشتر آنها قدر و حرمت خدا را ارج نمی نهند. آنها عملا منکر نقش خدا در جهان هستند. آنها تصورات غلط و توهمات در مورد خدا بکار میبرند و در نتیجه در دام خداناباوری می افتند و به گونه ای خداناباور بحساب می آیند. اگر هر کدام از این گروهها شیء و یا فرد زنده و یا مرده ای را در جای خدا بگذارند و نقش خدا را به او بدهند، در این حالت این افراد برای خدای عالمیان شریک قائل شده اند. شرک فقط یک گفته نیست، بلکه یک عمل است. جهت توضیح بیشتر چند مثال از خداناباوری و تبعات آن یعنی شرک و فساد را توضیح میدهم.

- **بیشتر مردم فکر میکنند که خدا در حین مشکلات و نابسامانی های جامعه، کنترل امور را در دست ندارد و آنها فکر میکنند دلیل بروز این مشکلات ، از دست رفتن**

کنترل امور از دست خداست؛ به همین خاطر این افراد در حین بی پولی، بیماری، بیکاری و ... روش خدا را بکار نمی برند و روش خودشان را بکار می برند. در روش خودشان؛ رشوه، غیبت، قتل، دزدی، دشنام، خشونت، عصبانیت و ... مجاز است. زیرا بنابفرض آنان، وقتی خدا کنترل این امور را در دست ندارد و عدالت را برپا نمی کند، پس هر روشی جایگزین آن است!! در حالیکه یک مومن باید بداند که کارهای خدا حکیمانه است و ما باید به روش خدا در مورد مجازات و پاداش ایمان آوریم و باید صبر داشته باشیم. صبر ، بردباری، نماز از علامات پذیرش کنترل خدا بر امور است.

- کسی را دیده ای که برای رفع مشکل خویش، میگوید که اگر خدا کاری کرد که هیچی، اما اگر خدا کاری نکرد، خودم دست بکار میشوم! این گونه افراد در مورد قدرت و توانایی خدا شک دارند. وقتی مردم آنچه را که انتظار دارند در مورد وقایع و مشکلات انجام نمیشود، پس نتیجه میگیرند که خدا کاری از دستش برنمیاید. یهودیان میگفتند دستان خدا بسته است و خدا هر کاری نمیتواند انجام دهد! این افکار همان افکار ناباوران به خداست. البته بیشتر مواقع از دهن افرادی شنیده میشود که معتقد به دین هستند و حتی بظاهر دیندار هم هستند! البته ادعای دینداری مهم نیست؛ زیرا هرکسی میتواند ادعای دینداری بکند؛ بلکه اعتقاد عملی به خدا مهم است.
- حتی بعضی افراد میگویند که چرا خدا در این شرایط کاری نمی کند و من به عدالت خدا شک کرده ام! افراد تندروتر این گروه حتی میگویند که خدا زمانی زنده بوده است ولی اکنون مرده است! زیرا خدا کنترل امور دنیا را در دست ندارد! متاسفانه این افراد از مرگ خدا حرف میزنند ولی از مرگ ارزشهای اخلاقی خود و جامعه خود حرفی ندارند. جوامعی هستند که کلا خدا را باور ندارند مثل جوامع کمونیستی؛ ولی بی عدالتی و فساد در این جوامع موج میزند. نمونه بارز این که خدا بوجود آورنده فساد و بی عدالتی نیست، همین جوامع کمونیستی و بیخداست.

- غرور در بعضی افراد خداناباور موج میزند و نشان از دست کم گرفتن خدا در ذهن آنان دارد. از سازنده کشتی تایتانیک پرسیدند که کشتی شما چقدر محکم است؟ این فرد با غرور خاصی گفته است که این کشتی انقدر محکم است که حتی خدا هم نمی تواند غرقش کند! اما همگی دیدیم که کشتی تایتانیک با خوردن به یک تکه یخ کوچک سوراخ شد و در کمال ناباوری مسافرانش غرق شدند. فکر نکنید این طرز تفکر فقط مختص چنین افراد مشهوری است. بلکه افراد عادی در زندگی خویش و در زمان عصبانیت و یا خماری بارها چنین حرفها و تفکراتی را یاد می کنند.
- تعداد زیادی از مسلمانان فکر میکنند که برای ارتباط باخدا به واسطه نیاز است و آنان از طریق واسطه هایی، با خدا راز و نیاز میکنند. این طرز تفکر ناشی از درک غلط در مورد خداست. متاسفانه مردم قدر و منزلت خدا را ارج نمی نهند و تفکرات غلطی در مورد خدا دارند. دعاها را باید مستقیم از خود خدا خواست. در ادامه ثابت میشود که دعا از طریق واسطه نوعی خداناباوری است و به نوعی نا امیدی از خداست. اما متاسفانه این روش مهمترین حربه تاریخی شیطان برای فریب مردم بوده است. دعا از طریق واسطه هایی که خبری از دعا ندارند، بیفایده و بیهوده ست. به طور ساده خواندن هرگونه مدعو غیبی شامل این مورد است. کسی که مرده است را نباید خواند زیرا صداها را نمیشنود و اگر هم بشنود کاری از دست او برنمیاد.

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾

و کیست گمراه تر از آن کس که به جای خدا کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی دهد و آنها از دعایشان بی خبرند (۵)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾

و چون مردم محشور گردند دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انکار ورزند (۶)

مشرکین زمان پیامبر هم همین مشکل را داشتند. آنها بتهای ساخت دست خویش را شفیع خود می پنداشتند و به همین خاطر دعاها و نذرهای خویش را به آنها تقدیم میکردند. البته آن بتها فقط مجسمه نبودند، فقط چند تکه سنگ نبودند، بلکه مظهر فرشتگان و بزرگان بودند که سالها قبل فوت کرده بودند.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۱۸﴾

و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می دهد و می گویند اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند بگو آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی داند آگاه می گردانید او پاك و برتر است از آنچه [با وی] شريك می سازند (۱۸)

هیچ قومی صرفا چوب و سنگ تراشیده شده را نمی پرستد، بلکه پشت آن سنگها و چوبها و فلزات، پیامبران و صالحان و بزرگان خویش قرار گرفته اند. چوب و سنگ فقط ظاهریند. بعضی افراد، در دعاها و درخواستهای خویش، از مقدسین وافراد صالحی که فوت نمود اند، درخواست کمک می کنند، آنان با جمله هایی از قبیل یا رسول الله ، یا فاطمه الزهرا، یا مولا علی بچه ام را شفا بده، ای امام حسین به دادم برس و به این طریق اعتقادات قلبی خویش را به نمایش می گذارند. خدای مهربان می فرماید: که چرا به کسانی روی می آورید که قدرت ضرر و زیان رساندن و سود رساندن را ندارند. برای اینکه بدانیم آیا شفا دادن بچه ها و مریضها در حیطه قدرت پیامبران و امامان بعد از مرگشان وجود دارد یا نه، ابتدا باید مقدار قدرت و توانایی این افراد، در زمان زنده بودنشان را متوجه شویم. فقط جهت یادآوری، پیامبر محمد حتی نتوانست بچه مریضش را شفا دهد. بچه از خون آدمی است و برای پدر و مادر عزیز است. پیامبر نتوانست بچه خودش را شفا دهد، چطوری میتواند قرنها بعد از فوتش، میلیونها بچه در سرتاسر جهان را شفا دهد؟

يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿۱۲﴾

به جای خدا چیزی را می خواند که نه زیانی به او می رساند و نه سودش می دهد این است همان گمراهی دور و دراز (۱۲)

۲)مردم مقام خدا را پایین می آورند تا برای آنها قابل لمس باشد

موسی بعد از چندین سال موعظه بنی اسرائیل و راهنمایی و هدایت آنان، فقط چند مومن راستین پرورش داد. بنی اسرائیل با دیدن یک قوم بت پرست که از زیور آلات بتی برای خود درست کرده بودند و از آن طریق خدا را پرستش میکردند؛ گفتند که ما هم مشابه چنین بتهای قابل لمسی میخواهیم تا که از آن طریق خدا را پرستش کنیم!! این فقط خاصیت بنی اسرائیل نیست، بلکه بیشتر مردم چنین فکر میکنند. آنان خدای نادیدنی را زیاد طالب نیستند و دوست دارند که مقام خدا را تا حد یک مجسمه پایین آورند و از آن طریق خدا را عبادت کنند. آنان براساس وسوسه شیطان خدای دیدنی و قابل لمس میخواهند. بنی اسرائیل حتی از موسی میخواستند که خدا را به آنها نشان دهد!

بعضی از مذاهب هندی، خدا را در حد پدر و مادر پایین می آورند و حتی بعضی از آنان خدا را مثل یک مادر می دانند. البته مسیحیان هم چنین اشتباهی مرتکب شده اند و خدا را مثل یک پدر میدانند. این تفکرات انحرافی نشان از تمایل بشر به ویرایش خدا براساس سلیقه خویش است. خدا همه بشریت و آسمانها و زمین را خلق کرده است. اما بشر در تصور خویش خدا را به شکلهای دیگری میسازد و در آنصورت بتها ساخته میشوند. وقتی به تصور بشر، نتوان خدا را خواند و به تصور او صدای گناهکاران به خدا نرسد؛ در آنصورت بتهایی ساخته میشوند که در این بین واسطه شوند.

۳)خداناباوری فقط مخصوص گروههای آتئیست و کمونیست نیست.

خداناباوری فقط مخصوص گروه خاصی نیست که اسم گروه خود را آتئیست و یا کمونیست گذاشته اند، بلکه متاسفانه بیشتر مردم خدا ناباورند و قدر و حرمت خدا را ارج نمی نهند و خدا را آنچنان که باید به بزرگی نشناخته اند. با این تفاوت که این افراد دل خوشند که اسم خود را آتئیست و کمونیست نگذاشته اند! در دین اسم گذاری بی فایده ست وعمل مهم است. صاحبان قدرت با نام خدا هرکاری انجام میدهند و ظلم و بی عدالتی را با نام عدل خدا انجام میدهند؛ در اینجاست که شبهه خداناباوران در مورد خدا قدرت میگیرد و تعداد زیادی را جذب خود میکند. تصویری که مذاهب منحرف از دین ساخته اند، مردم را بر این توهم قرارداده است که کارهای خدا ظلم و بی عدالتی است. آیا بهتر نیست که در مورد مسائل و مشکلات امروزی دقت بیشتری بکنیم و بجای اینکه بگوییم عدالت خدا مرده است، بگوییم انسانیت بعلت دوری از خدا مرده است. انسانی که قلبا بخدای تنها اعتقاد ندارد و برای خدا شریک قائل شده است، و این انسان فقط ادای خداباوری را در می آورد؛ ظلم میکند، بی عدالتی بخرج میدهد و در نتیجه جامعه پر از فساد و ظلم و جور میشود. آیا اینجا هم خدا مقصر است؟ آیا بهتر نیست که بجای خداستیزی به خودستیزی پرداخت؟ وقتی فرامین خدا با هوای نفس انسان تداخل داشته باشد، انسان فراموشکار اسم این فرمان خدا را ظلم می گذارد و آن را اجرا نمی کند. ولی وقتی این گناه سراسر جامعه را گرفت و جامعه پر از فساد شد و در نتیجه آن جامعه رو به افول نهاد و مشکلات کنونی پیش آمد؛ در آنصورت همین انسان خدا را مقصر میداند و میگوید که چرا خدا در مورد این مشکلات کاری نمی کند!! و او بجای خود ستیزی به خدا ناباوری روی می آورد. خدا از همان اول، فرمان و توصیه را به انسان گوشزد کرده بود و انسان فراموشکار از اجرای آن سرباز زده است. انسان شرایط پیش آمده را ناشی از کردار خویش نمی داند.

۴)نتیجه تصورات غلط در مورد خدا، شرک است

انسان شرایط پیش آمده را ناشی از کردار و افعال خویش نمی داند، بلکه آن را بخدا نسبت میدهد و در نتیجه بخدا معترض میشود که چرا خدا چنین کرده است!؟

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۱﴾

به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشاند باشد که بازگردند (۴۱)

غافل از اینکه وضعیت روز به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده است، است و در نتیجه فساد در همه جا فراگیر شده است ، اما خدا این فسادها و بی عدالتی ها را از بین نبرده است تا که بعضی از آنچه را که کرده اند به مردم بچشاند، باشد که بازگردند و بدرگاه خدا توبه کنند. خدا سختی ها و گرسنگی ها و نداری ها و مشکلات اقتصادی و کم آبی و ... را که خود مردم بوجود می آورند و حاصل اعمال خود همین مردم است، را برای مدتی رفع نمی کند تا که مردم بخود آیند و توبه کنند و به سوی خدا برگردند. ما تحت هر شرایطی خدا را باید موحدانه عبادت کنیم.

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿۳۶﴾

و چون مردم را رحمتی بچشانیم بدان شاد می گردند و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است صدمه ای به ایشان برسد بناگاه نومید می شوند (۳۶)

این عادت مردم است و بوده است که در حین خوشی ها ، سرمستند و در حین مشکلات، نا امید میشوند و نسبت به خدا اعتراض می کنند. ناشکری و ناسپاسی از خصوصیات بارز بشریت است. آیا شما اگر همسر و بچه ات و خانواده ات نسبت به تو چنین باشند، میپسندی؟! اما خدا مثل بشر نیست و هزاران بار می بخشد ، انگار که اصلا اتفاقی نیفتاده است. هیچ وقت امید به خدا را از دست ندهید، زیرا از دست دادن امید به معنای عدم پذیرش کنترل خدا بر امور است.

تاریخ تکرار میشود، بت پرستی ها به طرز باور نکردنیی تکرار میشوند. هابیل و قابیل، قارون، فرعون، مشرکین زمان پیامبر، شعرا و ... تماما تکرار میشوند و هیچکدام از اینها فکر نمی کردند که مشرک باشند و حتی کفر و شرک خویش را رد می کردند. باقی ماندن در وضع موجود: یک فاجعه بشری. این دنیا یک آزمایش است؛ و آخرین شانسی است که برای بازگشت مجدد به قلمرو الهی به ما داده شده است، لازمه نجات این است که ما انواع شرک را به هرنحو که باشد محکوم کنیم و از آن دوری جوئیم. حتی نباید نزدیک اعمال شبه آمیز شرک شویم.

۵)مدعیان یکتاپرستی عملا به خدا کمترین اهمیت را میدهند و قدر و حرمت خدا را نگه نمیدارند.

چند سال پیش فردی با من بحث میکرد، در حین بحث هر وقت اسم خدا را ذکر میکرد میگفت خدا و اما هر وقت به اسم پیامبر محمد میرسید، میگفت پیغمبر جان! از او پرسیدم که شما ناخودآگاه در جملاتت پیغمبر را بزرگتر از خدا میدانی. گفت چطوری؟ اصلا اینطوری نیست! گفتم شما وقتی خدا را ذکر میکنی، ساده میگویی "خدا" ولی وقتی اسم پیامبر را ذکر می کنی، میگویی پیغمبر جان! و علاوه بر آن بر او سلام هم میفرستی. در جواب گفت این دو مورد را که خود خدا دستور داده است! گفتم کجا خدا چنین دستوری داده است؟! گفت اولی در حدیث صحیح ذکر شده است که پیامبر فرموده است : هر مسلمانی من را باید از خودش و خانواده اش بیشتر دوست داشته باشد! دومی هم که خود خدا گفته هر وقت اسم پیامبر را ذکر کردی، بر او سلام و صلوات بفرست! در ادامه جواب این دو شبهه مهم او را ذکر میکنم.

- خدای مهربان هیچوقت در قرآن نفرموده است که هر وقت اسم پیامبر را ذکر کردی، بر او سلام و درود بفرستید. شما شاید ده بار در گفتگوهایت در مورد پیامبر محمد

حرف بزنید، آیا باید ده بار به مدح و ثنای پیامبر بپردازید و در صورت انجام این کار ، دقیقا به معنای ذکر و مدح و ثنای پیامبر بجای خدای متعال است.

- **آیه مربوط به صلوات که مورد سوء استفاده قرار گرفته است را باید براساس آیات قبل و بعدش فهمید. لطفا آیات قبل و بعد آیه صلوات را نگاه کنید:**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿۵۳﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود [آن هم] بی‌آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی‌آنکه سرگرم سخنی گردید این [رفتار] شما پیامبر را می رنجاند و[لی] از شما شرم می دارد و حال آنکه خدا از حق[گویی] شرم نمی کند و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه تر است و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقا [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است (۵۳)

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۵۴﴾

اگر چیزی را فاش کنید یا آن را پنهان دارید قطعا خدا به هر چیزی داناست (۵۴)

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۵۵﴾

بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگانشان گناهی نیست [که دیده شوند] و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿۵۶﴾

خدا و فرشتگانش پیامبر را کمك و پشتیبانی می کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، او را یاری دهید و از او پشتیبانی کنید و به او توجه نمایید، آن طور که باید به او توجه کرد. (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۵۷﴾

بی گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است (۵۷)

خدا در آیات قبل از صلوات میفرماید: ای کسانی که ایمان دارید، به منازل پیامبر وارد نشوید مگر آنکه برای خوردن غذا اجازه داشته باشید و نباید او را به چنین دعوتی وادار کنید. اگر دعوت شدید، می توانید وارد شوید. هنگامی که غذا خوردید، بروید؛ او را با صحبت های طولانی مشغول نکنید. این کار پیامبر را آزار می داد و او خجالت می کشید که به شما بگوید، اما خدا از حقیقت شرم ندارد. اگر لازم شد از زنان او چیزی بخواهید، از پشت حایلی از آنها سئوال کنید. این برای قلب های شما و قلب های آنها منزه تر است. باعث ناراحتی رسول خدا نشوید. پس از او با زنانش ازدواج نکنید، زیرا این از نظر خدا گناهی بزرگ خواهد بود.

در ادامه خدا می فرماید: خدا و فرشتگانش پیامبر را کمک و پشتیبانی می کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، او را یاری دهید و از او پشتیبانی کنید و تسلیم او باشید، آن طور که باید تسلیم بود. بی گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت آور آماده ساخته است.

- **با این وصف صلوات در آیه به معنای این نیست که هر وقت اسم پیامبر را شنیدی، به مدح و ثنای او بپردازید و بگویید اللهم صل علی محمد و آل محمد! بلکه به معنای پشتیبانی کردن، توجه کردن، رعایت کردن است.**
- سَلِّمُوا تَسْلِيمًا **به معنای درود و سلام گفتن بر پیامبر نیست. بلکه به معنای تسلیم شدن در مقابل اوامر رسول است. لطفا به آیه ۶۵ سوره نساء دقت کنید که همین عبارت در آن آمده است.**

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

هرگز، به پروردگارت سوگند؛ آنها مؤمن نیستند مگر آنکه نزد تو بیایند تا در مورد اختلافاتشان قضاوت کنی، سپس در قبول قضاوت تو هیچ‌گونه تردیدی در دلشان نیابند. آنها باید تسلیم شوند، تسلیمی کامل.

- **باید بدانیم که خدا هیچوقت به شرک امر نمی کند. خدا هیچوقت به ذکر و مدح و ثنای غیر خود امر نمی کند. در جای دیگری خدا میفرماید :**

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿۴۳﴾

اوست یکتایی که همراه با فرشتگانش، به شما کمك می کند تا شما را از تاریکی ها به نور راهنمایی کند. او نسبت به مؤمنان مهربان ترین است.

در این آیه همان عبارت صلوات ذکر شده است و بر اساس تصور غلط معنای آیه میشود: خدا و ملائکه بر شما صلوات میفرستند تا شما را از تاریکی ها به نور راهنمایی کند. او نسبت به مؤمنان مهربان ترین است. واقعا آیا خدا و ملائکه مدام بر مردم صلوات میفرستند با گفتن مکرر عبارت اللهم صل علی ... ؟!!

- **واژه "پیامبر" (نبی) همواره به پیامبر محمد اشاره دارد و این تا زمانی بود که پیامبر محمد زنده بود. شیطان از این آیه سوء استفاده کرد تا مسلمانان را فریب دهد و به جای آنکه طبق دستوری که در ۳۳:۴۱-۴۲ آمده است، به یاد و ذکر خدا بپردازند، پیوسته از پیامبر محمد یاد کنند.**
- **شیطان از طرق مختلف سعی دارد که مردم را به مدح و ثنای پیامبران مشغول دارد و در نتیجه آنان را از خدا دور کند. نتیجه نهایی این مدح و ثنا بعد از مدتی مشخص خواهد شد بطوریکه مدعیان پیروی از پیامبر :**
    - ✓ **حدیث و سنت پیامبر را بر قرآن ترجیح میدهند، هر چند کتابهای حدیث و سنت از پیامبر نیست و سالها بعد از مرگ پیامبر نوشته شده است و ربطی به پیامبر محمد ندارد.**

- ✓ خود را در مقابل خدا مسئول نمی دانند و تمام وقت خود را صرف پیامبر میکنند و آیه قرآن لا نفرق بین احد من رسله را نقض می کنند.
- ✓ همین دلبستگیهای غیر منطقی به رسولان باعث شده است که یهودیان مسیح را رد کنند و مسیحیان پیامبر محمد را نپذیرند. شیطان تاکتیکهای یکسانی را با کمی تغییرات بر مردم اجرا می کند.
- ✓ یکی از احکام مهم این است: "هیچ فرقی میان رسولان خدا نگذارید" (۴:۱۵۰ ؛ ۳:۸۴ و ۲:۱۳۶). مؤمنان در جواب میگویند: "ما می شنویم و اطاعت می کنیم،" در حالیکه مسلمانان منحرف به چون و چرا و بگومگو می پردازند و، سلب نظر از دیگر رسولان، اصرار دارند که نام پیامبر محمد را در کنار نام خدا ذکر کنند. مسلمین به انحراف کشیده شده زمان ما ، به هنگام ادای تشهد، ونیز در نماز خود نام پیامبر محمد را ذکر می کنند (به ۷۲:۱۸ نگاه کنید) .
- ✓ خدای شما همان کس یا همان چیزی است که اکثر اوقات، فکر شما را به خود مشغول می دارد. مؤمنان راستین کسانی هستند که اکثر اوقات به یاد خدا هستند. مومنان واقعی در حین ذکر نام خدا و نام پیامبر، نشان میدهند که خدا از پیامبر بزرگتر است و مدح و ثنای پیامبر نمی گویند. بلکه مدح و ثنای خدا میگویند.

۶)زیاد از خود مطمئن نباشید،دوباره خدا را جستجو کنید.

بیشتر پیروان ادیان و مذاهب کنونی ارثی به این مرحله رسیده اند و هیچکدام برای شناخت و عبادت خدا کوچکترین زحمتی بخود نداده اند و البته در عوض تعصب عجیبی نسبت به آن دارند. فارغ از دین و مذهب مادرزادی، یک انسان همان مقدار نزد خدا ارزش دارد که درست عمل میکند. خدا پیروی کورکورانه را از کسی نمی پذیرد. خدا به خاطر مقدسین یک دین و مذهب، پیروان آنان را نمی بخشد. بلکه براساس مقدار اعمال خوب یک فرد قضاوت میکند. ابراهیم نمونه خوبی در این مورد است. او هیچوقت شکهای خود را بی جواب نگذاشت و

همیشه در راه حل شک و تردیدهای خود بود؛ تا بالاخره راه خودش را پیدا کرد. خدا مذهب ارثی را از کسی نمی پذیرد. این را قطعا بدانید که خدا بخاطر دین مادرزادی، کسی را وارد بهشت نمی کند. شما اگر در چین به دنیا آمده بودید، قطعا کمونیست بودید و اگر در هند به دنیا آمده بودید ، یکی از مذاهب هندی را داشتی و نسبت به آن تعصب هم نشان میدادی! هر مومنی به اطمینان خاطر نیاز دارد. هرمومنی باید راه ایمان را طی کند تا به یقین برسد. پیروی کورکورانه از روشهای مادرزادی، ضد یقین است و ضد ایمان است. ممکن است هفتاد ساله شوی و ذره ای یقین به خدا نداشته باشی.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه های خود را بر آنان می نماییم و در حقیقت خدا با نیکوکاران است (۶۹)

دین "اسلام" یک اسم نیست که از طریق شناسنامه و یا پدر و مادر به کسی منتقل شود،بلکه یک تعریف است که بهترین معنی آن "تسلیم" است. بنابراین کسی با تولد و ارث، تسلیم خدا نمیشود. بلکه باید در راه خدا بکوشی و تقلید کورکورانه را کنار بیندازی.

۷)شرک تمام اعمال خوب را از بین میبرد

شرک تمام اعمال خوبی که آدمی انجام داده است را به یکباره پاک میکند. این نکته بسیار مهمی است و از همین نکته میتوان فهمید که شرک چقدر خطرناک و مهم است که تمام پیامبران برای انذار آن مبعوث شده بوده اند.

ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾

این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می کند و اگر آنان شرك ورزيده بودند قطعا آن چه انجام می دادند از دستشان می رفت (۸۸)

شاید بعضی بگویند که شرک هم یک گناه است و چطوری میتواند تمام اعمال خوب را از بین ببرد؟ بله تمام اعمال را از بین میبرد زیرا هرگناهی که خدا آن را نبخشد و قابل بخشش نباشد، یعنی آن گناه بر زندگی یک فرد چنبره زده است و مثل یک هشت پای بزرگ بر آن فرد چنگ زده است و در حال بلعیدن آن فرد است و در نتیجه نجات آن فرد بیفایده و غیر ممکن است. مثلا کسی که معتاد است؛ اگر دفعه اول و یا دومش باشد، میتوان به ترک اعتیاد او امید داشت. اما اگر این فرد گرفتار مواد شده باشد، در آن صورت ترک اعتیاد او بیفایده ست و بعد از ترک دوباره برمیگردد. شرک هم همچنینی است. خدا خیلی مهربان است و خیلی بخشنده . گناهی که او نمی بخشد، یعنی قابل بخشش نیست.

به نظر شما آدمی باید در مورد چنین گناهی ریسک کند و در کناره های شرک حرکت کند؟ آیا نباید از چنین گناهی دوری کرد؟ گناهی که تمام کتب آسمانی بر آن تاکید فراوان کرده اند. با وجود تصورات و تحریف ها و دستخوردگی های مهمی که در کتب آسمانی پیشین صورت گرفته، هنوز می توان کلمات خدا را در آنها یافت. عهد عتیق و عهد جدید، هر دو، مکررا ، در تایید این امر که هرعبادتی مطلقا باید برای خدا انجام گیرد سخن به میان آورده اند(سِفر تثنیه ۵- ۶:۴ و انجیل مرقس۳۰- ۱۲:۲۹). تمام تحریفات براحتی قابل تمایز و تشخیص اند.

۸)بزرگی خدا غیر قابل تصور است

ما تنها موجوداتی نیستیم که در این جهان آفریده شده ایم. کره زمین در مقابل کهکشانهای دیگر مثل یک مولکول است نسبت به کره زمین. انسانهایی که در طول تاریخ شریک خدا قرار داده شده اند، در این کره خاکی ناچیز زندگی میکرده اند و نیازمند مواد داخل زمین بوده اند. درک این موضوع بسیار ساده است. عالم ما با میلیارد ها کهکشان، که وسعت آن به

میلیارد ها سال نوری می رسد، کوچکترین و درونی ترین عالم از هفت عالم است. زمین هم دراین عالم، جزو ریز ذرات هم بحساب نمی آید.

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿۹۵﴾

خدا شکافنده دانه و هسته است زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می آورد چنین ست خدای شما پس چگونه [از حق] منحرف می شوید (۹۵)

ما نمی توانیم خدا را ببینیم ولی وقتی خدا بخواهد که ما او را ببینیم و به او نزدیک شویم، آیاتش را به ما نشان میدهد. شریک قراردادن انسانهایی که مرده اند و زمانی زنده بوده اند با خدا ، واقعا قابل توجیه نیست و به هیچ عنوان قابل پذیرش و منطقی نیست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۷﴾

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید زیرا خدا به هر چیزی داناست (۷)

۹)تمام گناهان قابل بخشش است بجز شرک

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا ﴿۴۸﴾

مسلما خدا این را که به او شرك ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید و هر کس به خدا شرك ورزد به یقین گناهی بزرگ بربافته است (۴۸)

بشریت باید به این نکته توجه کند که خدا تمام گناهان را میبخشد بجز شرک. هر انسانی گناهان دیگر هم انجام میدهد، حتی پیامبران. پیامبران همیشه در حال طلب مغفرت و استغفار از خدا بوده اند. هرکس بگوید که من گناه نمی کنم، کلاه بزرگی سر خود می گذارد. بشریت باید به سوی مغفرت و آمرزش پروردگار بشتابد و از این فرصت برای پاک شدن خویش استفاده نماید. مشتاقانه و با شور و اشتیاق کامل به سوی آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین را در بر دارد، بشتابید؛ آن در انتظار پرهیزکاران است.

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٣﴾

و براى نيل به آمرزشى از پروردگار خود و بهشتى كه پهنايش [به قدر] آسمانها و زمين است [و] براى پرهيزگاران آماده شده است بشتابيد (١٣٣)

اما شرک قابل مغفرت نیست. زیرا افرادی که مرتکب شرک میشوند، برخلاف جریان آب شنا میکنند. آنان بر وفق مراد شیاطین و اجنه فعالیت میکنند. آنان به دشمن خدا کمک می نمایند. به همین خاطر شرک ظلم عظیم است .

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾

و [ياد كن] هنگامى را كه لقمان به پسر خويش در حالى كه وى او را اندرز مى داد گفت اى پسرك من به خدا شرك مياور كه به راستى شرك ستمى بزرگ است (١٣)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾

پدر جان شيطان را مپرست كه شيطان [خداى] رحمان را عصيانگر است (٤٤)

ما نباید در مقابل خدا مقاومت کنیم. کسانی که تصمیم می گیرند خدا را تکذیب کنند و بر راه غلط پیشینیان خویش اصرار می ورزند، در همان مسیر سوق داده می شوند؛ و تا زمانی که بر این تصمیم خود اصرار دارند، خدا آنان را از مشاهده هر گونه مدرک یا هدایتی باز می دارد.

بشریت به طرز عجیبی به شرک تمایل دارد. پیروان موسی، در غیاب وی علیرغم تمام آن معجزات عظیم، گوساله پرست شدند، و در پایان موسی ماند و دو مومن دیگر. این مورد نشانگر تمایل بشر به شرک و بت پرستی است. بشریت میخواهد خدایی بیافریند که انسان باشد و قابل فهم و درک و قابل کنترل و در عین حال درآمدزا و توانایی های خدا را هم داشته باشد! یکی از حیله های موذیانه شیطان این است که توانایی شفاعت کردن را به انسانهایی امثال عیسی و محمد و ... نسبت می دهد و بدین وسیله این شخصیت ها را تا مقام الوهیت بالا می برد یا به بیان ساده تر از ایشان بت می سازد.

۱۰) مشرکین وارد بهشت نخواهند شد

إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿۷۲﴾

هر کس به خدا شرك آورد قطعا خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جايگاهش آتش است و براى ستمكاران ياورانى نيست (۷۲)

هر کس به هر نحوی به خدا شرک آورد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است و سرنوشت او دوزخ است. این وعده خداست و ذره ای خلاف نخواهد بود. مسلمینی که در گرداب فساد و شرک افتاده اند مصرانه عقیده دارند که سهم آنها از عذاب جهنم، فقط به تعداد گناهانی است که مرتکب شده اند و بعد، از جهنم نجات می یابند و به بهشت می روند! در ضمن این افراد معتقدند که پیامبر محمد به نفعشان شفاعت خواهد کرد، و آنها را از جهنم بیرون خواهد آورد. این اعتقادات به کلی ضد قرآن است.

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۸﴾

[ولى چنين نيست] بلكه آنچه را پيش از اين نهان مى داشتند براى آنان آشكار شده است و اگر هم بازگردانده شوند قطعا به آنچه از آن منع شده بودند برمى گردند و آنان دروغگويند (۲۸)

دلیل آن این است که قوای حسی ما بلافاصله پس از ورود به ابعاد دنیوی، نسبت به وقایعی که در ابعاد ماوراء الطبیعه - یعنی همانجا که خدا و فرشتگانش و بهشت و دوزخ را می توان دید - اتفاق می افتد بکلی بی خبر است و حواس در اینباره کاملاً از کار می افتند. از اینرو، حتی پس از مشاهده بُعدِ جاوید، گناهکاران هیچ تغییری در رفتار خود نخواهند داد.

قرآن، معیارهایی ارائه داده است که معلوم می کند که آیا حقیقتاً ما به آخرت ایمان داریم یا اینکه فقط به زبان آنرا اظهار می کنیم. پس از ایمان آوردن، بایستی با انجام عباداتی که خدا تجویز کرده است، نفس آدمی رشد کند و وسعت یابد. این زندگی آخرین شانسی است که ما برای بازگشت به قلمرو الهی در اختیار داریم.

۱۱) خسارت بزرگ

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۶۵﴾

و قطعا به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است اگر شرك ورزی حتما کردارت تباه و مسلما از زیانکاران خواهی شد (۶۵)

بعضی کارها ممکن است که برای دیگران ضرر مستقیم نداشته باشد. مثلا یکی که مشروب مینوشد و ادعا می کند که در حین مستی ضرری به دیگران نمی رساند. او متوجه نیست که با هر وابستگی و دلبستگی به غیر خدا ، وابستگی و دلبستگی او به خدا کم میشود. تا جایی که فرد بعد از مدتی منکر هرگونه دلبستگی به خدا میشود. تعدادی از عرفای دیندار در طول تاریخ که بعد از وابستگی به می و مشروب و ... زیر دینداری خویش زدند. وقتی شخص زنده و یا مرده ای شریک خدا قرارداده شود و مقدس شود، در آنصورت دلبستگی افراد به این فرد بیشتر از خدا خواهد شد و دلبستگی به خدا کاهش می یابد. شرک یعنی همین.

۱۲) شرک جسارت بزرگی است

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

و چگونه از آنچه شريك [خدا] مى گردانيد بترسم با آنكه شما خود از اينكه چيزى را شريك خدا ساخته ايد كه [خدا] دليلى در باره آن بر شما نازل نكرده است نمى هراسيد پس اگر ميدانيد كدام يك از [ما] دو دسته به ايمنى سزاوارتر است (٨١)

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾

كسانى كه ايمان آورده و ايمان خود را به شرك نيالوده اند آنان راست ايمنى و ايشان راه‏يافتگانند (٨٢)

۱۳) شرک آدمی را ناپاک میکند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

اى كسانى كه ايمان آورده ايد حقيقت اين است كه مشركان ناپاكند پس نبايد از سال آينده به مسجدالحرام نزديك شوند و اگر [در اين قطع رابطه] از فقر بيمناكيد پس به زودى خدا اگر بخواهد شما را به فضل خويش بى نياز مى گرداند كه خدا داناى حكيم است (٢٨)

۱۴) مرگ

پرهیزکاران حقیقتاً نمی میرند؛ بلکه فقط کالبد خود را در این دنیا رها می کنند و به همان بهشتی راه می یابند که آدم و حوا زمانی را در آن می زیسته اند. هیچکس نمی میرد جز به اذن خدا، در زمانی معین که تاریخ آن از پیش نوشته شده است. هرکس به دنبال متاع پوشالی این جهان باشد، از آن به او داده میشود، و هرکس در طلب پاداش آخرت باشد، در آنجا مورد رحمت قرار می گیرد. مرگ بر خلاف باور بعضی ها به خیلی ناراحتی ها و زحمات پایان میدهد. آدمی همیشه جوان و زیبا و پر انرژی نمی ماند. زمانی می رسد که مورد بی مهری اطرافیان قرار می گیرد و دچار انواع بیماری ها و انواع ناراحتی ها و مشکلات میشود. در این حالت مرگ نجات دهنده ست . به مشکلات آن فرد پایان می

دهد. اما خوشا بحال کسی که در طول زندگی خویش درستکار زندگی کرده است و توشه ای برای بعد از مرگ خویش جمع کرده است. بزرگترین وعده و زیبایی قیامت رفتن مردم پیش خداست و اجرا شدن قضاوت خداست. کسانی که منکر وجود خدایند و جهان آخرت را منکر میشوند، از مهمترین رکن زندگی یک انسان میگذرند. با عدم وجود قضاوت خدا در قیامت، فرقی بین یک دیکتاتور و یک مظلوم وجود ندارد. یک دیکتاتور که جان هزاران نفر را می ریزد با یک مظلوم که از همه چیز در این جهان بی نصیب مانده است، در یک سطح قرار می گیرند و اینکه هر دو برای همیشه از بین می روند. قیامت و معاد نیمه گمشده عدالت این دنیاست که بدون آن واقعا زندگی چند ساله و پرزحمت این دنیا بی معنی است. سیستم این جهان طوری طراحی شده است که بدون معاد و قضاوت، زندگی بی معناست و کامل نیست.

۱۵) تمام موحدان از هر مذهب و دینی یک دین را تشکیل میدهند به اسم اسلام

تمام کسانی که موحدانه خدا را عبادت می کنند، از هر دینی که باشند، حقیقتا متحد هستند.

انَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

هنگامیکه خدا پیامبران را بعنوان مژده دهنده و هشدار دهنده فرستاد مردم یک امت واحد بودند. او همراه ایشان کتاب آسمانی را نازل کرد، که حامل حق است، تا میان مردم بر سر آنچه اختلاف نظر دارند داوری کند. شگفتا، همان کسانیکه به ایشان کتاب داده شده بود، کسانی بودند که هر کتاب آسمانی جدیدی را، با وجود دلایل روشنی

که به ایشان داده شد تکذیب کردند. این ناشی از حسادت آنهاست. خدا بخواست خود، کسانی را که ایمان دارند به سوی آن حقیقتی هدایت میکند که دیگران دربارهٔ آن اختلاف دارند. هرکس که بخواهد خدا او را براه راست هدایت میکند.

۱۶) ما به قوانین خدا نیاز داریم

ما برای ادامه زندگی روی کرده زمین به قوانین خدا نیاز داریم. بعضی ها میگویند علم و طبیعتگرایی و خرد تنها چیزهایی هستند که ما نیاز داریم و بشر با اینها میتواند زندگی خود را ادامه دهد. اما ما در این جهان صرفا با طبیعت و انسانهای طبیعی و سالم طرف نیستیم. طبیعت گرایی و علم گرایی تنها جوابگو نیست. زیرا بعضی قوانین در قالب علم بشر نمی گنجد. مخصوصا که این علم روز به روز تکمیل میشود و هنوز تکمیل نشده است . کسانی که هوش و فکر بشر را مطرح میکنند، حتی از میزان علاقه همسرشان به خود نا آگاهند . جهان توسط کسانی توسعه یافته است و توسط کسانی از جهالت نجات یافته است که جان خود را برای آرمانشان داده اند و با جان و مال خود در این راه تلاش کرده اند. بدون عشق به خدا و قیامت، کسی حاضر به جانفشانی در راه عدالت نیست.

۱۷) ما از کجا آمده ایم و به کجا میرویم؟

جهت یادآوری ما قبلا در یک دنیای دیگر بوده ایم و در آن دنیای قبلی گول ادعای شیطان را خوردیم و به دو دسته موجودات سرکش (انسانها و جنها) تقسیم شدیم. جنها بیشتر به سمت شیطان گرایش دارند و انسانها کمتر از جنها به سمت شیطان گرایش دارند. خدای قادر توانا این دو گروه را از بهشت بیرون کرد و به آسمان یکم تبعید کرد تا تحت یک آزمایش (آخرین آزمایش) قرار گیرند . انسانها در کره زمین آزمایش می شوند و جنها در محدوده آسمان یکم آزمایش می شوند. جنها می توانند در محدوده آسمان یکم حرکت کنند و نشانه

های خدا در آسمان و زمین را ببینند و به سمت خدای یکتا گرایش پیدا کنند. هر انسانی در بدو تولد یک جن همنشین با او نیز متولد می شود. جنها نماینده ایده های شیطان هستند و در طول زندگی ، جنها وسوسه های شیطان را به ما القا می کنند و مدام در ذهن ما مشغول وسوسه و ترغیب به انجام گناهان هستند. انسانها به طور متوسط ۷۰ سال عمر می کنند اما جن همنشین انسان بعد از مرگ انسان آزاد می شود و چند هزار سال دیگر عمر می کند. انسانها از بدو تولد یکتاپرست به دنیا می آیند اما جنها از بدو تولد شیطان پرست به دنیا می آیند . به همین خاطر خدا سن زیادی به جنها اعطا کرده است تا که فرصت بیشتری برای برگشت به سوی خدا داشته باشند. جنها دیده نمی شوند اما هر انسانی بوسیله جن همنشین خویش شب و روز وسوسه می شود و جنها در این راه تمام تلاش خود را می کنند. اگر شما وسوسه های شیاطین را جدی بگیرید ، پریشانی روح نصیب شما میشود. پریشانی روح مریضی تن را به ارمغان می آورد. بنابراین ظلم و بی عدالتی نتیجه کارهای خود انسان و وسوسه های شیاطین است.

۱۸) خدا به تک تک موجودات توجه میکند

خدا به تک تک موجودات و انسانها توجه میکند. وقتی ما معتقدیم که خدا زمین را آفریده است؛ این فقط یک اعتقاد اولیه ست. ما باید این عقیده خود را گسترش دهیم و اینبار بگوییم که خدا زمین را آفریده است و همچنین از آنزمان تا کنون زمین را هم اداره می کند و نیازهای ساکنینش را لحظه به لحظه برآورده میکند و فقط اوست که میتواند نیازهای تمام موجودات زمین را درک کند و آن را برآورده کند. واسطه ها در این مورد فقط میتوانند بت باشند. حتی در روز قیامت هم تک تک افراد به حضور خدا خواهند رسید و دادگاهی خواهند شد.

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۹۴﴾

و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده اید و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده اید و شفیعانی را که در [کار] خودتان شریکان [خدا] می پنداشتید با شما نمی بینیم به یقین پیوند میان شما بریده شده و آنچه را که می پنداشتید از دست شما رفته است (۹۴)

۱۹) افراد مومن در جزئیات هم خدا را در نظر دارند

افراد مومن در جزئیات زندگی هم خدا را در نظر دارند، اما افراد با ایمان کمتر، در کلیات خدا را مطرح میکنند. مثلا میگویند خدا خالق آسمانها و زمین است و یا خدا خالق انسان است. حتی مشرکان زمان پیامبر هم معتقد بودند که خدا خالق آسمانها و زمین است.

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿۶۱﴾

و اگر از ایشان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است حتما خواهند گفت الله پس چگونه [از حق] بازگردانیده می شوند (۶۱)

اما مومنی مثل ابراهیم حتی آب و غذای خود را هم از طرف خدا می دانست. این است که مومنان واقعی که به خدا ایمان دارند، کوچکترین موارد زندگی خویش را هم به خدا ربط میدهند.

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۸۱﴾

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿۸۲﴾

آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می کند (۷۸)
و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (۷۹)
و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد (۸۰)
و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند (۸۱)
و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید (۸۲)

۲۰) انسانها نسبت به خدا ناسپاسند

کسی را دیده ای که میگوید من از خدا یک چیز خواستم ولی بهم نداد! این افراد چنان از ناتوانی خدا حرف میزنند ، انگار که تمام کارهای دیگر را خودشان انجام داده اند و همین یکی را به خدا واگذار کرده اند تا که خدا انجام دهد! آنها غافل از آنند که حتی در دم و بازدمی که انجام می دهند ، وابسته به خدایند. آنها غافل از آنند که تمام جزئیات و ریز ریز زندگی خویش را مدیون خدایند. خدا طبق سنت مکتوب خود، در ۹۹ درصد موارد نیازهای انسانها و موجودات دیگر را برآورده می کند. اگر هم کاستیی وجود دارد، بعلت دخالت شیطان و انسانهاست. اگر فقر و قحطیی وجود دارد، بعلت شرایطی است که انسانها با بی رحمی برای هم نوع خود ایجاد می کنند.

قوم صالح از صالح خواستند که اگر راست میگوید، به خدا بگوید که یک شتر بزرگ سرخ روی از کوه سنگی مشهور شهر بیرون آورد. این اولین بار بود که بشر خودش معجزه از خدا طلب میکرد و خودش موضوع معجزه را تعیین میکرد. صالح به آنها گفت که ای مردم این معجزه بزرگی است و خدا طبق سنت خویش بعد از انجام آن، دیگر به انکار کنندگان فرصت نخواهد داد و عذابش را بر آنها نازل می کند. قوم صالح گفتند که ای صالح اگر راست میگوئید معجزه را انجام بده! معجزه انجام شد و انکار کنندگان بعد از مدت کوتاهی زیر قول خود

زدند و عذاب خدا بر آنها نازل شد و نابود شدند. آنها نمی دانستند که درخواست معجزه به ضررشان تمام میشود. بنی اسرائیل از موسی خواستند که میخواهند خدا را ببینند. خدا گوشه ای از نور خود را نمایان کرد و کوه سوخت و بنی اسرائیل هم مردند ولی خدا براساس حکمت و رحم خویش دوباره آنها را زنده کرد و فرصت دیگری به آنها داد. قوم پیامبر محمد هم از پیامبر محمد یک سری معجزات همچنینی میخواستند که انجام نشد و خدا به آنها یادآوری کرد که بعد از انجام معجزه انکار کنندگان نابود خواهند شد و این به ضررشان است.

گاهی بعضی درخواستها توسط خدا انجام نمیشود زیرا طبق سنت خدا، اگر درخواستی از طرف خدا بطور خارق العاده انجام شود و فرد درخواست کننده انکار کند و یا ناسپاسی کند، عذاب خدا بر او نازل خواهد شد. خدا به افراد رحم میکند که زود با آنها اتمام حجت نمیکند و فرصت بیشتری به آنها میدهد. خدا برای ابراهیم آتش را سرد کرد زیرا میدانست که ابراهیم هیچوقت انکار و ناسپاسی نخواهد کرد. هیچوقت به مهربانی و حکمت خدا نباید شک کرد.

۲۱) آیا دین اجباری است؟

حدیث هست که از زبان پیامبر دروغ بسته شده است: من بدل دینه قتلوه یعنی : هرکس دینش را تغییر داد، بکشیدش. این حدیث با کل آیات قرآن در تضاد است. خدا دین را اختیاری قرارداده است و اجباری در دین وجود ندارد. لا اکراه فی الدین

بهتر است که بخاطر داشته باشید، در قرآن، آخرین کتاب آسمانی، پنج بار عمل سنگسار ذکر شده است که در هر پنج مورد مومنان بوسیله کافران سنگسار و مجازات می شوند. آیا این نکته اثبات نمی کند که کشتن مخالفان عقیدتی کار کافران و معاندین خداست .لذت عقیده به آزاد بودنش است.

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾

پاسخ دادند ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته ایم اگر دست برندارید سنگسارتان می کنیم و قطعا عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید (۱۸)

خدا بین کافرین و گمراهان فرق گذاشته است .خدای رحمان و رحیم براساس رحمتی که تمام جهان را در بر گرفته است، گمراهان را راهنمایی می نماید تا که راه راست را پیدا کنند .اما بعد از اینکه بر گمراهان اتمام حجت شد، و آنان راه کفر را برگزیدند، از اینجا به بعد خدا می فرماید که لا اکراه فی الدین .در دین اجباری نیست زیرا راه خطا و راست معلوم است .آیاتی از قرآن یافت می شوند که نشان دهنده آزادی عقیده حتی برای کافران است.

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿۱۴۰﴾

و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد (۱۴۰)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۶۸﴾

و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین (۶۸)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۶۹﴾

و چیزی از حساب آنان [=ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا[ی خدا] دارند نیست لیکن تذکر دادن [لازم] است باشد که [از استهزا] پرهیز کنند (۶۹)

خدا در آیات بالایی فرموده که با کسانی که آیات خدا را مسخره می کنند، ننشینید؛ او نفرموده است که بروید با آنها بجنگید .این نشان می دهد که دین در یک جامعه، زمانی

رشد خواهد کرد که عقاید مخالفان هم آزاد باشد. لطفا به آیات زیر توجه کنید تا متوجه شوید که محیط زمان پیامبر در مورد دینداری چگونه بوده است.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾

۶:۱۰۷ اگر خدا مي خواست، آنها بت پرستي نمي كردند .ما تو را به عنوان محافظ آنها تعيين نكرديم و تو وكيل مدافع آنها نيستي.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٠٨﴾

۶:۱۰۸ بتهايي را كه در كنار خدا قرار مي دهند، لعنت نكنيد، تا مبادا آنها از روي ناداني، كفر بگويند و خدا را لعنت كنند .ما عمل هر گروهي را در نظرشان زيبا جلوه دادهايم .سرانجام، آنها به سوي پروردگار خود بازمي گردند . سپس او آنها را از آنچه كرده بودند، آگاه می كند.

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾

۴۱:۴۰ مطمئنا، كساني كه آيات ما را تحريف مي كنند، از ما پنهان نيستند .آيا كسي كه در دوزخ افكنده مي شود بهتر است يا كسي كه در روز رستاخيز ايمن و آسوده خاطر مي آيد؟ هر كاري كه ميخواهيد بكنيد؛ او بر همه اعمالتان بيناست.

خدا هیچوقت دین را اجبار نکرده است. جنگهایی که در زمان پیامبر انجام شد، برای دفاع از خود بوده است و بخاطر "اجبار دین به مشرکین" نبوده است. جنگهای زمان پیامبر بخاطر دفاع از خود و یا اموال و حقوق خود بوده است. مشرکین مسلمانان را از مکه اخراج کرده بودند و مال واموال و زمین آنان را غصب کرده بودند و آنان را به بردگی می گرفتند. قطعا حق هر مسلمان یا غیر مسلمانی بوده است که در مقابل این کارها از خودش دفاع کند. جنگهای بعد از مرگ پیامبر ملاک عملکرد پیامبر نیست و قضیه اش چیز دیگری است. حالا

باید متوجه شده باشید که حدیث و سنت گمراه کننده اند و دین خدا را به گمراهی می کشانند.

پایان